

۱۵۹۸۸۲۹

بِسْمِ اللّٰهِ

جایگاه هیات منصفه در دادرسی جرائم مطبوعاتی

نویسنده:

امیر نوایی لواسانی

فهرست مطالب

۷	مقدمه
۱۱	فصل اول: مطبوعات
۱۴	نگرش تاریخی و اجتماعی به مطبوعات در ایران
۱۴	روند تحولات قانونگذاری
۱۶	تحولات تاریخی - اجتماعی
۲۵	تحولات تاریخی - تقنینی
۳۰	زاد مطبوعات در حقوق مضعه ایران
۴۳	فصل دوم: هیأت منصفه
۴۵	نگرشی تاریخی و اجتماعی به تأسیس نهاد هیأت منصفه
۴۷	قبل از انقلاب
۵۰	بعد از انقلاب
۵۶	نظرات موافقان و مخالفان
۶۱	فصل سوم: جایگاه هیأت منصفه در جرائم مطبوعاتی
۶۳	حدود مسئولیت مطبوعات
۶۳	در قانون اساسی
۶۳	عدم اخلال به میانی اسلام
۶۷	عدم اخلال به میانی حقوق عمومی
۶۷	حقوق عمومی
۶۷	موارد اخلال در حقوق عمومی
۷۵	در قوانین عادی
۷۵	تخلفات مطبوعاتی
۸۲	جرایم مطبوعاتی
۸۴	سابقه جرم مطبوعاتی در حقوق ایران
۸۷	بررسی انواع جرائم مطبوعاتی
۹۲	دادگاه صالح در جرائم و تخلفات مطبوعاتی و شرایط حاکم بر آن
۹۴	علنی بودن

۹۶	حضور هیات منصفه
۹۹	فصل چهارم: آئین رسیدگی به جرائم مطبوعاتی و نقش هیات منصفه در آن
۱۰۱	اصول حاکم بر دادرسی منصفانه
۱۰۱	اصل برائت، حق بر دفاع وکیل
۱۰۳	حق تجدید نظر خواهی، استفاده از شهود
۱۰۵	آئین دادرسی حاکم بر جرائم مطبوعاتی
۱۰۵	چگونگی اعلام جرم
۱۰۶	حل رسیدگی به پرونده
۱۰۶	در دادسرا
۱۰۹	در دادگاه
۱۱۱	رسیدگی پژوهشی و فحاشی
۱۱۱	اعتراض به آئینات منصفه
۱۱۱	دادگاه تجدیدنظر
۱۱۳	نقش هیات منصفه
۱۱۳	پیشینه
۱۱۵	وظایف و اعضاء هیات منصفه
۱۲۰	تصمیم گیرنده یا مشورتی
۱۲۱	نقش تصمیم گیرانه
۱۲۱	نقش مشورتی هیات منصفه
۱۲۳	فصل پنجم: حاصل کلام
۱۲۷	منابع و مأخذ
۱۲۷	منابع فارسی
۱۲۸	منابع لاتین

مقدمه

در فرهنگ بومی ایران زمین، هم‌نوایی‌های بسیار میان دو نهاد «آزادگی» و «از خود گذشتگی» مشاهده می‌شود. هم راستایی این دو نماد در اهداف، روش‌ها و کاربرها به روشنی قابل ارزیابی و ردیابی می‌باشد. در چنین فضای فرهنگی است که «مطبوعات» جایگاه رکن چهارم حاکمیت و مشارکت مردم در سرنوشت سیاسی و اجتماعی را به خود اختصاص می‌دهند و از الزامات چنین درهم آمیختگی است که در اصل ۲۴ قانون اساسی به «آزادی مطبوعات» بعنوان اصل بنیادین تأکید می‌گردد تا بتواند تضمین‌گر ایفاء نقش اثر بخش این نماد در عرصه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی باشد.

نکته اینکه امروزه دلیل پیشرفت تکنولوژی بویژه در عرصه ارتباطات و خبر رسانی، در تعریف پدیده ملی مجرمانه تبیین و تجزیه حاصل گشته است که از جمله آن جرائم مطبوعاتی می‌باشد. توسعه صنعت چاپ در هر دو معنای مجازی و حقیقی آن برآیندی جز آن نخواهد داشت که پیامدهای مثبت انباشت و انتشار اطلاعات، اطلاع رسانی، توسعه سیاسی و اجتماعی، نظارت و کنترل حکومت و گسترش آزادی‌های اساسی تحقق خواهد یافت اما همین پدیده با آثار مثبت بسیار، دغدغه‌هایی را نیز فراهم آورده است. دگردیسی و نابودی ارزشهای معالی انسانی و قومی، تحمیل الگوهای ضد ارزش به جامعه، تجاوز بیش‌رمانه به حریم خصوصی افراد ایجاد حس ناامنی خلوت، توهین و افترا به افراد و سازمانها و... از جمله پیامدهای ناگوار این نوع توسعه می‌باشد.

اینک اما پس از طی سالیان طولانی و استفاده از روشهای متفاوت در برخورد نوعی کشورهای گوناگون منجر به استفاده از این ابزار با حفظ دستاوردهای آن و مبارزه با پیامدهای منفی آن گردیده است که واضح و مبرهن می‌باشد حفظ این

نتیجه جز با ایجاد تعادل بین حقوق و آزادی‌های مطبوعات از سویی و حفظ حقوق عمومی و صیانت از آن ممکن نیست.

در کشور ما ایران، شاید رکوردداری قانونگذاری در هفت قانونگذاری و بیش از ده نوبت تکمله نویسی و تبصره افزایی به آن در موزه مطبوعات هم در جستجوی شناسایی همین قانونمندی‌های طبیعی و منطقی در خصوص مطبوعات صورت پذیر می‌باشد یک سال پس از تصویب اولین قانون اساسی کشور در حالیکه هنوز قانون مجازات و آئین دادرسی کیفری از تصویب مجلس نگذشته بود قانون مطبوعات «۱۲۸۶ ع.ن» به تصویب رسید لکن با تمام این پیشگامی این بخش از حقوق داخلی از لحاظ نظام و رویه عملی و قضائی ناهماهنگ با تحولات جهانی است. علی‌رغم اینکه اصل ۷۹ قانون اساسی در یکصد سال قبل تصریح به حضور هیأت منصفه و نفوذ نظرات آن بر احکامات دارد و با وجود بیش از ۱۱ تکرار این موضوع در قوانین مختلف عملاً تا سال ۱۳۰۰ در محاکمات مطبوعاتی در ایران اثری از حضور هیأت منصفه یافت نگردیده است. سیاست جنایی نامشخص، ابهام در حقوق و تکالیف حاکمیت از سویی و مطبوعات از سویی دیگر، نامشخص بودن حدود آزادی مطبوعات در رسانه‌ها و اختلافات مراجع قانونگذاری و تعیین کننده از سویی دیگر موجب ایجاد جوی پر از تنش در اینگونه محاکمات در کشور گردید.

یقیناً در چنین بستری از عدم شفافیت، هیأت منصفه نخواهد توانست راه خود را در بستری حقوقی و قضائی به سوی پیشرفت طی کند چرا که با سقوط از ارکان انصاف به سوی سیاست می‌رود. همین جو بی اعتمادی بین دادگاه، مطبوعات از سویی، مطبوعات از سویی دیگر و نهاد هیأت منصفه سبب گردیده است که نظر قاطبه مطبوعات به این نهاد و دادگاه رسیدگی کننده صرفاً وسیله‌ای باشد جهت کنترل و مهار، نه بخشی از نظام حقوق پذیرفته شده و مقبول.

یکی از اهداف اساسی در توسعه میان رشد توانمندی‌های انسانی، تعالی و ترقی و رسیدن به کمال دانش و آزادی می‌باشد. امروزه در غیاب نهادهای فعال حقوق مدنی و سیاسی، نقش مطبوعات بیش از پیش نمایان است، لکن این خروج از مرزهای اطلاع رسانی صرف سبب می‌گردد که ارکان قدرت تاب تحمل و صبوری را از دست داده مطبوعات را در معرض خطرهای گوناگونی قرار دهند.

خطر محدودیت، جلوگیری و سانسور که موجب اختلال روند توسعه همه جانبه جامعه از سویی و از سوی دیگر وابستگی اطلاعاتی و همبستگی ذهنی اقشار جامعه با رسانه‌های بیگانه می‌باشد و نیز خطر لجام گسیختگی و هرج و مرج مطبوعاتی که یقیناً برای هویت فرهنگی و اجتماعی جامعه نتایج ناخوشایندی را در پی دارد.

جلوگیری از این پدیده، نیازمند شناخت و تبیین و تدقیق در قوانین موجود و استفاده از تجربیات مثبت دیگر کشورها باشد. اکثر قوانین و از جمله اولین قانون مطبوعات کشور ما «۱۸ بهمن ۱۲۸۶ هـ ش» تا حدود بسیاری از قوانین کشور فرانسه اقتباس گردیده است که لزوم بومی سازی آن بیش از پیش ضروری به نظر می‌رسد.